

"وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ" (انعام: ۵۹)
(و نزد اوست کلیدهای غیب، نمی داند آن را مگر او)



پرفسور دکتر
محمد مسعود احمد

ترجمہ فارسی؛
مولانا عبدالرحمن نعیمی، ایران

۲/۶، ۵-ای، ناظم آباد-کراچی، (سندھ)

اسلامی جمہوریہ پاکستان، ۱۴۱۷ھ/۱۹۹۷ء

ادارہ مسعود

ناشر

<http://t.me/Tehqiqat>

Click For More

<https://archive.org/details/@zohaibhasanattari>

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ (انعام: ۵۹)

(و نزد اوست کلید های غیب، نمی داند آن را مگر او)



پرفسور دکترا محمد مسعود احمد

ترجمہ فارسی

مولوی عبدالرحمن نعیمی، ایران

ناشر

ادارہ مسعودیہ

۲ / ۵، ۶۔ ای، ناظم آباد، کراچی

اسلامی جمہوریہ پاکستان

۱۹۹۷ / ۵۱۴۱۷





علم یک قوت بزرگی است، اهمیت و قدرت علم در دور جدید بیشتر آشکار شده در نظر آمده است قرآن کریم است که انسان را برای نوشتن و خواندن^۱ و حاصل نمودن علم متوجه ساخت^۲ و انسان را همان رازهای پوشیده گفت و برای انسان آشکار کرد که دماغ انسان به سبب آن روشن گشت. قرآن کریم برای علم و دانش معدن و گنج بزرگی است. درین کتاب درباره علم و مشتقاتش بیش از ۸۰۰۰ صدها ذکر شده و کتاب و کتابت بیشتر از ۶۰۰ ششصد جا تذکر داده است، به همین خاطر در نظر قرآن مجید اهمیت علم بسیار دیده می شود. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمود که "من به حیثیت معلمی فرستاده شده ام،"^۳ آن حضرت صلی الله علیه و سلم برای حاصل نمودن علم بی نهایت و بسیار تأکید کرده است و فضیلت علم را آشکار نموده است.^۴ حضرت علی رضی الله عنه فرمود که فضیلت فقط برای عالم می باشد.^۵ و در قرآن موجود است که حضرت طاوت خصوصاً به برکت علم بر بنی اسرائیل بادشاه کرده،^۶ شد و به وسیله علم حضرت آدم علیه السلام بر ملائک فضیلت یافت،^۷ ازین جا معلوم می شود که برای نبوت و رسالت و پیشوائی و بادشاهت عالم بودن ضروری است.

علم بر دو نوع است قسم اول انیست که مادر مدارس و دبیرستانها و دانشگاهها حاصل می کنیم ما فقط همین را در ذهن خود علم می دانیم و بر آن یقین می کنیم مگر قسم دوم علمسیت که براه راست تعلیم داده می شود، برای حاصل نمودن این نوع ثانی احتیاج به مدارس و دبستان و دبیرستان و دانشگاه نیست. این علمی است پوشیده که آن را قرآن حکیم از علم غیب تعبیر کرده است^۸ و ایمان داشتن به این علم علامت مسلمانی گذاشته شد،^۹ این

علمی است که نه عقل انسان آن را حاصل توان کرد و نه حواس ظاهری و باطنی انسان. این علم بر جمله علوم دیگر غالب است و تحصیل و کسب را درین هیچ گونه تعلق نیست، این محض از فضل و کرم خداوندی مثل باران می بارد و مانند چشمه آب جوش می زند. قرآن در بسیار آیاتها ذکر علم غیب کرده است و دستور داده است که این علم مرخدا می را است و برائی او ثابت شده است، این آیاتها را ملاحظه کنید:-

(۱) و نزد اوست کلیدهای غیب و او می داند غیب را. ۱۰

(۲) هر آتینه می دانم چیزهای پوشیده آسمانها و زمینها. ۱۱

(۳) بگو که غیب بدون شک مرخدا می راست. ۱۲

و به رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم فرمود که ای محبوب من (۴) تو بازبان مبارک خود ارشاد کن و نمی گویم به شما که نزدیک من خزینه های خداوند است و نه این که گویم غیب می دانم ۱۳

ازین آیاتها معلوم شد که غیب خاص برای خداست. هیچ کس به ذات خود غیب نمی داند و بدون عطا. خداوندی نزد هیچ یک خزینه های خدا نیست بلکه از عطای خداوند می باشد. پس از تفکر کردن درین آیاتها معلوم می شود که خدا در هیچ جای فرموده است که علم غیب را به کسی عطا نمی کنیم و نه گفته است که این خزینه ها را به کسی عطا نمی کنم. نفی از علم غیب ذاتی است نه از علم غیب عطائی بلکه محبوبان خدا را از فضل خداوندی علم غیب عطائی حاصل است این مهمترین نکته ای است که مسلمانان را بایستی درین تفکر کرد، خداوند کریم در قرآن کریم ارشاد فرموده است:-

(۱) اوست دانای غیب پس مطلع نمی سازد بر علم غیب خود هیچ یک را مگر کسی را که پسند کرد از پیشم خبر خود.

(۲) و خداوند شمارا بر علم غیب مطلع نمی سازد و لیکن خدا بر می گزیند از پیشم بران خود

هر که را که خواهد^{۱۴}

پس اینطور نیست که فقط گفته باشد و علم غیب عطا نکرد باشد بلکه خداوند کریم پیا
میران برگزیده خود را این علم عطا فرموده است که در قرآن مجید درباره آن تفصیلاً ذکر
شده است۔ به این آیتها ذیل توجه فرمائید۔

(۱) ----- و تعلیم داد آدم (علیه السلام) رانامهای تمام چیزها و پیش آورد بود فرشتگان

آن چیزها^{۱۵}

(۲) ----- و به حضرت داؤد علیه السلام فرمود۔

بیاموخت اورا از آنچه می خواست^{۱۶}

(۳) ----- و حضرت سلیمان علیه السلام علم غیب را به این نحو ذکر کرد۔

ای مردمان آموخته شد ما را گفتار مرغان و داده شد و ما را چیزها از هر نوع^{۱۷}

(۴) ----- و برای حضرت لوط علیه السلام فرمود۔

ولوط را دادیم حکمت و علم^{۱۸}

(۵) ----- برای حضرت یعقوب علیه السلام فرمود۔

و هر آئینه او بود صاحب علم به آنچه ما آموخته بودیم اورا و لیکن اکثر مردمان

نمی دانند^{۱۹}

(۶) ----- حضرت یعقوب (علیه السلام) خود نیز این عطای ربانی را پیش بهر ان خود

اطهار کرد و فرمود۔

گفت آیانه گفته بودم به شما که هر آئینه من می دانم از جانب خدا آنچه شما

نمی دانید^{۲۰}

(۷) ----- بران حضرت یوسف (علیه السلام) فرمود۔

و قتیکه به جوانی خود رسید ما اورا حکمت و علم عنایت کردیم^{۲۱}

(۸) ---- و برای حضرت موسیٰ (علیه السلام) فرمود:-

چون رسید به جوانی خود و درست اندام شد دادیم او را حکمت و علم ۲۲

(۹) ---- و درباره حضرت خضر (علیه السلام) فرمود:-

پس یافتند بنده ای را از بندگان ما که داده بودیم او را رحمتی خاص از نزد خود
آموختیم او را از نزد خود علمی بطور خاص ۲۳

ازین آیتها معلوم شد که خداوند کریم علم غیب به انبیاء کرام که
برگزیدگان پروردگار کائنات هستند عطا فرموده است مگر اکثر مردم این
را نمی فهمند.

آن حضرات قدسیه بعضی اوقات این علم را اظهار نیز کرده اند باذن
خداوندی چنانچه در قرآن مجید موجود است که حضرت عیسیٰ (علیه السلام)
با پیروکاران خود ارشاد کرد ۲۵

(۱۰) --- و خبری دهم شمارا به آنچه میخورید و آنچه ذخیره می گزارید در خانه های خودتان
یعنی هر کسی از هر چیزی در خانه خودی خورد و می خاد، همه را حضرت عیسیٰ
(علیه السلام) و امی دید و مشاهده نمود. --- حضرت یوسف علیه السلام در
زندان قبل از تعبیر نمودن خواب با زندانیان گفت:-

(۱۱) --- فرمود نخواهد آمد به شما هیچ طعامی که داده می شوید آن را مگر خبردار کنم شمارا به
تعبیر آن قبل از آنکه بیاید به شما صدقات این تعبیر به برکت آن علم است
که آموخته است، ا پروردگار من. ۲۶

ازین آیه نیز معلوم می شود که خداوند کریم به برگزیده پیا مبران خود را علم غیب
عطا کرده است ازین عطای خاص انکار کردن گویا انکار نمودن از قرآن قرار می گیرد
این علم چیزی کم ارزش و معمولی نیست بعد از یک اتمام و آمدگی عظیمی عطا کرده می

شود و هر کسی را که عطا نموده شد فرشته ها برای نگهبانی او از هر طرف مامور کرده می شوند، ارشاد فرمود:-

(۱۲) --- پس مطلع نمی سازد بر علم غیب خود هیچ یک را مگر کسی که پسند کرد او را از پیامبر پس هر آئینه خدا ارسال می کند جلو و عقب وی فرشته گان را برای نگهبانی. ۲۷

بدون تردید هر کسی را این علم عطا کرده شد پس بر آن شخص بسیار انعام بزرگ کرده شد، همه انبیاء را به یک نوع علم غیب عطا کرده نه شده است بلکه آنچه در میان انبیاء درجات متفاوت اند آنچنان ۲۸ علم غیب نیز طبق درجات آنها درجه بدرجه عطا کرده شده اند از آیات قرآنی تصدیق این امر دیده می شود چنانچه از واقعه حضرت موسی (علیه السلام) و حضرت خضر (علیه السلام) واضح می گردد حتی که ملاقات موسی (علیه السلام) با حضرت خضر (علیه السلام) شد و حضرت موسی (علیه السلام) طلب تعلیم گرفتن آن علم لدنی که علم غیب است اظهار کرد و تقضا نمود که خداوند حضرت خضر (علیه السلام) را عطا کرده بود حضرت خضر (علیه السلام) آن عرض را قبول کرد مگر توصیه کرده فرمود- پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا آنکه خود بگویم براتی تو از حال آن یک بیانی ۲۹ حضرت خضر (علیه السلام) هر چه می کرد و می رفت حضرت موسی (علیه السلام) آن را نه فهمید آخر تحمل نکرد و سوال کرد حضرت خضر (علیه السلام) پرده سر را آشکار نمود مگر بعد ازین همراهی موسی (علیه السلام) را قبول نکرد این واقعه کاملآ در قرآن مجید موجود است --- ۳۰

در ضمن این آیتها هویدا گشت که جمله انبیاء را یکسان علم غیب عطا کردن شده است علم غیب به رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم نیز عطا کرده شده است و همین علم یک معجزه بزرگی بود براتی آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم، جمله انبیاء را معجزه مختلف

عنایت کرده شده اند مگر رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را علمی کہ بہ ہمہ انبیاء کرام دادہ شدہ بود کلاً علوم جملہ انبیاء کرام در ذات پاک رسول گرامی موجود بود کہ بہ یکصد و بیست و چہار ہزار کم بیش انبیاء دادہ بودند و غیر از آن بہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم علوم بسیاری عطا شدہ است از جانب خداوند کریم کہ جز پروردگار آنرا کسی نمی داند، جملہ صفاتی کہ دیگر انبیاء کرام داشتند کل آنہا در ذات پاک رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم موجود اند۔

حسن یوسف دم عیسیٰ ید بیضا داری
آنچہ ہمہ خوبان دارند تو تنہا داری

آن حضرت سرور عالم رحمتہ للعلمین صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم جامع تمام صفات حسنہ و جامع معارف و علوم جملہ انبیاء بود ہر انعامی کہ از ہر چیز بہ شفیح المذنبین حضرت محمد رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم دادہ شدہ است، در شان او پروردگار ارشاد می فرماید

و ترا ای محبوب صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم آموخت آنچہ ندانستہ
ای و بر تو فصل عظیم خداوند است ۳۱

ازین پتہ معلوم شد ہیچ چیز ی باقی نماندہ است کہ آن را امام الانبیاء نبی آخر زمان محبوب صلی اللہ علیہ وسلم راندہ دادند، بہ ہمین سبب خداوند آنہا بہ فصل عظیم توصیف کرد، ہر چہ کہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را علم عنایت شدہ پروردگار اورا تعلیم دادہ است بدون شک ۳۶

بزرگترین غیب ذات خداوندی است بقیہ غیب مانند جنت دوزخ عالم برزخ نسبت بہ ذات خداوندی پائین تراند و قتیکہ بزرگترین غیب ذات اللہ تعالیٰ بودہ مگر

چشمان مبارک رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم اور اُدیدہ اند، جنت را دیدہ اند، دوزخ را دیدہ اند، عالم برزخ را مشاهده نموده اند پس کدام چیز است رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم آنرا نمی داند و خداوند آنرا عطا نکرده است، آیا از ذات خداوندی چیزی خوبتر است کہ از نظر رسول اللہ و بصارت معجزانہ رسول اکرم پوشیدہ کردہ شدہ است باوجود این دلائل کسی انکار شان رسالت کند و توہین نماید دربارہ علم غیب عطائی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم علامت منافق می باشد و نادانی است۔۔۔ حضرت شیخ سعدی فرمودہ است:-

طلب کردم ز دانایان یکی پند
مرا گفتند بہ نادان پیوند
اگر دانای گھر بہ باشی خربہ باشی
و اگر نادانی ابلہ تر بہ باشی

خداوند از نفاق و نادانی ہمہ مسلمانان را نجات دہد (آمین)

ہرچہ کہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را علم بودہ خداوند بہ آن سرور عالم آموختہ است۔۔۔ مثلاً استاد شاگرد را گوید "من ترا تعلیم دادہ ام قبلاً تو هیچ ندانستہ ای" این گفت حق است و حرف درست می باشد گستاخی بی ادبی قرار نمی گیرد۔۔۔ لیکن اگر شاگرد استاد خود را گوید۔۔۔ "تو استاذم هستی مگر قبلاً هیچ ندانستہ ای مگر استاذت تعلیم دادہ است بعداً دانستہ ای و استاذم قرار گرفتہ ای"۔۔۔ این سخن شاگرد برای استاذ خودش سراسر بی احترامی و بی ادبی قرار می گیرد نزد عقلمدان و در تاریخ انسانیت این چنین شاگرد بی ادب در نظر نیامدہ است، پروردگار عالم است کہ علم بہ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم عطا کردہ آموختہ است پس اگر رب العلمین بہ آن

حضرت گوید کہ من ترا علم غیب عطائی و دیگر علوم عطاہ کردام قبل ندانستہ ای غیب ندارد چنانچہ در قرآن مجید رب العلمین ارشاد کرد۔۔۔ ما کنت و ما قدری ما الکتب و اللایمان و و ۳۳ پس این شائستہ شان خداوندی باشد مگر ما حق نداریم کہ بہ ذات رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم قیاس کردہ بر قول خدا و بگوئیم کہ رسول اللہ علم نداشته است و فلان جا اینطور خدا بہ رسول اکرم صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم گفتہ، اگر بچنین گوئیم مثل شاگرد گستاخ و بی ادب قرار می گیریم و بی ادبی سبب می شود کہ انسان را از رحمت خدا دور دارد، بہ بینید شیطان چہ قدر علم داشت بچقدر عبادت کرده بود مگر وقتیکہ تعظیم آدم (علیہ السلام) را بجا نیاورد مردود گشت و جہنمی، شد آدم (علیہ السلام) مقتدی حضرت محمد الرسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم در شب معراج بود کسی کہ آدم را تعظیم نکرد علم و عبادت او تباہ و برباد شدند، پس کسی ادب امام انبیاء نکند و در شان او گستاخی کند از شیطان بدتر قرار می گیرد و ہلاک می شود

ازالہ جویم توفیق ادب
بی ادب محروم ماند از فضل رب

خداوند متعال بہ محبوب صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم خود ارشاد فرمودہ است۔۔۔ بدون شک خداوند آن حضرت را علم غیب عطاہ فرمودہ است و فصل عظیم توصیف کردہ ہر شخصی این فصل خداوندی را انکاری کند و آن را تحقیف کند آن شخص گویا کہ فصل خداوندی را منکر است اگر کسی منکر فصل خداوندی باشد پس کدام شخص مومن اورا مسلمان می شمارد۔ بلکہ شان موحدا نیست جملہ احکام خداوندی را احترام گزارد و خودش نیز بر آن حکم عمل کند و دیگران را نیز برای عمل دستور دہد۔۔۔ دربار رسول اللہ صلی اللہ علیہ و سلم و مجلس رسول اللہ اینقدر بسیا، فمعزز و محبوب است عند

اللہ کہ اگر کسی بہ بلند آوازی صدا کند در آن بارگاہ رسالت و صدا بلند کند از آواز مبارک رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ایمان و اعمال را تباہ و بربادی کند و بدون اجازه از مجلس آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم کسی برخاست برای آن و عید عذاب دردناک گفته شده است در آیہ قرآن توجہ فرمائید کہ خداوند رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم چه قدر شان و عزت داده است بہ مردم حکم می دهد برای تعظیم آن سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم۔

آن چنان شما یکدیگر را صدای زنید رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم را بہ آن طریق صدا زنید خداوند می داند چه کسانی از شما در پناہ دیگری خود را پنهان می سازند و آہستہ آہستہ بیرون می روند، کسانیکہ از فرمان او روگردانی می کنند بایستی بترسند کہ مباداہہ آنها فتنہ ای یا عذابی دردناک برسد ۳۴

شما خودتان اندازہ کنید کہ وقتیکہ شان بارگاہ رسالت این قدر عالی و بارونق است چه قدر ادب خوب در نظری آید کہ در آن مجلس صحابہ کرام نیز سر را پست کردہ خاموش نشتہ اند و برہر سخن می گفتند، "پدر و مادر ما قربانت باشند یا رسول اللہ" (صلی اللہ علیہ وسلم) و جواب سوال آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم را بہ تعظیم و احترام می دادند "اللہ ورسولہ اعلم"۔۔۔ خدا و رسول پیشتر می دانند۔۔۔ بدون شک حضور اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را خداوند کریم علم غیب عطا فرمودہ است و حقیقت این بہ سہ توجیہ فہمیدی شود۔

(۱) آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم را مستقیماً علم غیب عطا کردہ است۔

(۲) نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم را قرآن مجید عطا فرمودہ است کہ خزانه علم غیب است۔

(۳) ---- آن سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم شاهد کرده شده و فرستاده شده است
شاهد آن است که در وقت واقعہ موجود باشد و آن فعل و کار را مشاهده نیز نماید
یعنی اورا عین الیقین و حق الیقین هر سخن حاصل باشد و گرنہ بطور شہادی می دهد؟
(۱) ---- اگر علم غیب رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم از جهت اول دیدہ شود پس این

آیات قرآن مجید این مطلب را تصدیق می کنند۔

○ اینها از خبرها، غیب اند کہ بہ طرف تو وحی می کنیم ۳۵

○ اینها اخبار غیب اند برای تو وحی کردیم ۳۶

○ و او از گفتن خبر غیب بخیل نیست۔ ۳۷

و اگر علم غیب آن حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم از بہت روم دیدہ شود پس

این آیتها برای باز کردن چشمهای ما کافی اند ۳۸

① ---- ما نازل کردیم این قرآن را بر تو کہ بیان کننده تمام چیزها است

② ---- این قرآن حرف خود ساخته نیست بلکه تصدیق کننده آن کلام ها است

کہ قبل از او بودند و بیان کننده هر چیز است۔ ۳۹

③ ---- ما درین کتاب هیچ چیز فرو گزار نکرده ایم۔ ۴۰

④ ---- بدون تردید نزد شما از جانب خدا یک نوری آمد و یک کتاب روشن۔ ۴۱

⑤ ---- و نیست هیچ مقدمہ پوشیده در آسمان و زمین مگر نوشته شده است در کتاب

روشن۔ ۴۲

⑥ ---- هیچ دانه در تار یکهای زمین و نہ هیچ تری و نہ خشکی الا ثبت است در کتاب

روشن۔ ۴۳

شما ملاحظہ فرمودید درین آیات قبلاً ذکر کتاب مبین کرد، دوبارہ فرمود کہ چه چیزها

درین کتاب مذکور است، فکر کنید کہ درین کتاب ذکر آنچه در زمین و آسمان است،

موجود است پس بر ذاتی که نازل شده است چه قدر علم و دانش او بسیار می شود، اگر علم غیب از جهت سوم دیده شود پس این آیاتها ذیل در عالم تازه می برند که مادر آن عالم از سبب حیرت روی یکدیگر می بینم ولی آنچه گفته شد بر آن ازدل و جان ایمان می آوریم اگر ایمان نیاوریم تباہ و بی ارزش می شویم۔۔۔ درین آیه ها خوب تدبر کنید و وسعت و بسیاری علم مصطفی صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را نظر کنید "اللہ اکبر" مانمی توانیم که علم غیب که به ذات رسول اکرم از جانب خدا عطا شده است حساب کرده اندازہ نمایم که چقدر است بلکه فقط پروردگاری داند که به فضل خودش به محبوب خود علم غیب عطا کرده است۔

- ①۔۔۔۔۔ ما ذات گرامی ترا گواهی دهنده و بشارت دهنده و ترساننده فرستاده ایم۔^{۴۴}
- ②۔۔۔۔۔ ما ترا گواهی دهنده برین امت می آریم۔^{۴۵}
- ③۔۔۔۔۔ به تحقیق ما نزد شما یک رسولی فرستاده ایم که بر شما گواهی خواهد داد۔^{۴۶}
- ④۔۔۔۔۔ و آن روز که برانگیزیم در هرامتی گواهی بر ایشان از قبیلہ ایشان و بیاریم ترا گواه ایناں۔^{۴۷}

ازین آیت ها معلوم شد که روز قیامت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم تنها فقط بر امت خودش گواهی نمی باشد بلکه بر اعمال امتهای دیگر انبیاء کرام گواهی می دهد و گواهی آن شخص مورد قبول قرار می گردد که خودش آن کار را مشاهده کند و در حضور او سخن گفته شده باشد ازین آیه ها واضح شد که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم تمام اشیا را می بیند و آن حضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم از احوال و اعمال مابقی اطلاع نیست بلکه آگاه است درین مورد این احادیث را توجه کنید

- ①۔۔۔۔۔ در یک حدیث فرموده است، چنانکه جلوی بینم در عقب نیز آن چنان می بینم^{۴۸} یعنی جلو و عقب یکسان می بینم۔

②----- در حدیث دوم آمده است، وقتیکه از مدینه به مکه می رفت در وادی ارزق حضرت موسی علیه السلام را دید که تلبیه به آواز بلندی خواند و به حج می رود حضرت یونس علیه السلام را دید که بر شتر سرخ رنگ سوار است در وادی هرشی وجبه پشتمین پوشیده است۔^{۴۹}

③----- از حدیث سوم معلوم می شود که آن حضرت جنت و دوزخ را مشاهده نموده است۔^{۵۰}

④----- از حدیث چهارم معلوم می شود کسانی که اهل جنت و اهل دوزخ اند رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم نام اهل جنت و اسما اهل دوزخ را می داند و همه را یک بیک می شناسد۔^{۵۱}

⑤----- از حدیث پنجم معلوم می شود، که شخصی از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم سوال کرد که من جنتی هستم یا دوزخی در جواب آن شخص رسول خدا صلی اللہ علیہ وسلم فرموده که تو در جهنم داخل می شوی۔^{۵۲}

⑥----- در حدیث ششم است که همه امت من با اعمالشان به من پیش کرده شده اند۔^{۵۳}

⑦----- در حدیث هفتم است که امشب همه امت نزد این حجره ام مرا پیش کرده شده اند به طوریکه هر شخصی را از آن بیشتری دانم که شما دوست خودتان را می شناسید۔^{۵۴}

در قرآن مجید ارشاد فرموده است۔۔۔۔

”آیا نزد آن شخص علم غیب است و آن را می بیند“^{۵۵}

ازین آیه معلوم گشت که علم غیب نزد آن ذات می باشد که خودش ذاتاً مشاهده نماید و به بیند در قرآن مجید متعدد جاها شان بصارت آن حضرت بیان نموده شده است^{۵۶} خبر حق اینست و وقتیکه ذات خدا را که بزرگترین غیب است با چشم خود دیده

است معلوم شد که هر چیز را دیده است و در محضر او آشکار است حضور اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ارشاد می فرماید،

من پروردگارم را در بهترین حسن و جمال دیده ام و خداوند دست قدرت خود را بر پشت من گذاشته و سردی دست قدرت خداوند را سینه ام محسوس کردم در آن وقت هر چیز بر او من ظاهر شد و جمله اشیاء و چیزها را شناختم۔ ۵۷

تا حالا مختصری بوده از وسعت علم رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بوده و نشان بصارت و دید مبارک آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم بوده مگر علمی که به آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم عطا کرده شده است و چیزها تیکه خداوند به آن حضرت نشان داده است آیا رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم برای غلامان خود نیز تقسیم کرده یا نه که خداوند نعمت عظمی به رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم داده بود؟۔۔۔۔ از بیشتر روایات معلوم می شود که علم غیب عطا کرده شده است و بسیار عطا کرده چرا عطا نمی کند که خداوند آن را تقسیم کننده و فرستاده است۔

مشهورترین و محبوبترین صحابی حضرت ابوذر غفاری می فرماید۔

①۔۔۔۔ نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ما را درین حالت گذاشته و رفته است که در هوا هیچ پرنده نیست که علم آن را پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ وسلم برای ما بیان نکرده باشد ۵۸

حضرت حذیفه رضی اللہ عنہ روایت می کند۔

②۔۔۔۔ رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم یک مرتبه در میان ما ایستاد و تا قیامت هر چه که می آید همه برای ما بیان کرد هیچ چیز را ترک نکرد کسی که یادداشت کرد یا دزد و کسی که فراموش کرد فراموش شد۔ ۵۹

③۔۔۔۔ رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بیان فرمود برای ما نام آن شخص و نام

پدرش واسم قبیلہ اش کہ فتنہ انگیز تا قیامت می آیند تا آخر دنیا می آید
ہمہ را برای ما تو ضیح داد۔ ۶۰

④----- وقتیکہ در تاریخ ۱۲ ہفدہم رمضان المبارک ۵۲ / ۶۲۴۔ غزوہ بدر رخ
داد، قبل از شروع جنگ فرمود، کہ فلان شخص ایجا قتل کردہ می شود و فلان
در فلان جا قتل کردہ می شود، انگشت مبارک خادہ جای قتل ہر مقتولین
کفار نشان داد، ہر کجا کہ نشان دہی کردہ بود بعد از جنگ دیدند کہ همان جاکہ
پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وسلم براں آن شخص فرمودہ بود همان جا افتادہ بود
صحیح جلو و عقب بہ اندازہ یک وجب فرق نبود۔ ۶۱

در بخاری شریف یک حدیث طویل آمدہ است کہ برای باز
کردن چشم ما کافی است، حضرت انس بن مالک رضی اللہ عنہ
می فرماید۔

⑤----- پس از زوال آفتاب رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم بیرون تشریف آوردند،
بعداً ما را نماز ظہر داد، وقتیکہ سلام گردانند پس بر منبر تشریف آورد و بیان
قیامت کرد و علامات بزرگ قیامت کہ قبلاً می آیند ذکر فرمود، بعداً ارشاد
نمود کہ دربارہ ہر چیز می سوال می کنید بہ پرسید قسم بہ خدا ہر چہ از من سوال
می کنید تا کہ درین مقام ایستادہ ام بہ شامی جواب دہم۔۔۔ حضرت انس
رضی اللہ عنہ بیان می کند کہ صحابہ کرام شروع بہ گریہ نمودند و آن حضرت
بار بار ارشاد فرمود کہ «سلونی» پرسید از من، پرسید ۶۲ از
من۔۔۔ و برین حدیث پاک این آیت کریمہ گواہ است۔۔۔ «واودر گفتن
غیب بخیل نیست» ۶۳

یعنی می پرسید پاسخ دادہ می شود ہر چہ طلب می کنید دادہ می شود۔۔۔ قسم خوردن و

اینطور گفتن پرسید جواب داده می شود و بار بار فرمودن ---- "از من به پرسید" ---- از من پرسید برین حقیقت گواه است که خداوند به حضور انور صلی اللہ علیہ وسلم علم غیب عنایت کرده است ---- یک عالم برجسته عرب احمد بن محمد بن صدیق الثماری الحسینی یک کتاب فاضلانه نوشته است که موضوع آن این است مطابقه الاختراعات العصریه، لما خبر به سید البریه - ۶۴

مصنف رحمتہ اللہ علیہ آن اخبار غیب جمع کرده است که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم ارشاد فرموده است، پس از خواندن حیرت اضافه می شود و چنان معلوم و واضح می شود که ماضی و مستقبل دربار گاه آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم مانند آئینه ظاهر بوده است و این بخاطر آن است که ذات اقدس حضور انور صلی اللہ علیہ وسلم خود فرموده است ---- "که کلید های خزائن زمین نزد من آورده شدند و بردست من نهادند" در حقیقت همیشه کلید ها نزد مالک خزانه می شوند مگر مطلب این نیست که معاذ اللہ خداوند بی اختیار شده است بلکه ازین اظهار اختیار و قدرت خداوند بیشتر دیده می شود، خداوند از فصل خود چه قدر بسیار بر رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم انعام و نوازش کرده است و این همان کلیدها هستند که خزائن معانی و حقیقت قرآن را باز می کنند ---- قرآن را ما هم می خوانیم و می بینیم مگر طوری که نگاه مبارک حضرت محمد مصطفی صلی اللہ علیہ وسلم مشاهده می کند حقیقت و معانی ها را چشمهای ماهرگز قدرت نداند آن طور مشاهده کند فقط یک مثال عرض می کنم، در قرآن مجید یک آیتی است - ۶۶

○ ---- و برای او آماده کنید طاقتی که از دست شما بر آید (یعنی برای دشمنان اسلام) -

درین جا بظاهر در لفظ "قوة" هیچ رازی دیده نمی شود مگر وقتیکه

از راز او نبی اکرم صلی اللہ علیہ وسلم پرده دور می کند در آن موقع عقل انسان

متحیری ماند، لفظ "قوت" را به این نو تفسیر کرده ارشاد نمود - ۶۷

خبردار این قوت رمی است، این قوت رمی است، این قوت رمی است در لغت عرب "رمی" بمعنی انداختن می آید چنانچه در حج جمرات را سنگهایی زنند آن را رمی می گویند درین حدیث آن حضرت بطرف جمله سلاحهای رانام برد که امروز ما آنرا مشاهده می کنیم و تعلق قوت و توازن آن رابطه به آن کشور می باشد که درو ساخته سلاحها باشند خصوصاً بمب اتمی، خطرناک راکت میزائل و غیره زدی شوند، واقفند، می شوند وضاحت قوت کرده می شود از "رمی" و قتیکه احادیث را با دقت مطالعه می کنیم پس سیل علم غیب عطائی آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم در نظری آید، بالا هر چه که بیان کرده در روشنی و واضح شدن آن ما را درباره علم غیب آن حضرت صلی اللہ علیہ وسلم حقیقتها بسیار معلوم می شود، باید این حقیقتها را به خوبی در ذهن خود جای دهیم۔

- ①----- حرف اول اینست که علم غیب یک حقیقتی است۔
- ②----- حرف دوم اینست که علم غیب ذاتی خاص خداوند است نه غیر را۔
- ③----- سخن سوم اینست که خداوند کریم محبوب خود را از فصل خود علم غیب عطا می فرماید۔

④----- حرف چهارم معلوم گشت که انبیا۔ کرام رانیز از علم غیب آگاه کرده است از فصل خود۔

⑤----- پنجم این حقیقت هویدا شد که رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم علم غیب عطا کرده شده است۔

⑥----- ششم این حقیقت معلوم شد که این علم را رسول اکرم به صحابه کرام گفته

است و اصحاب کرام بہ مسلمانان واقعی تعلیم دادند و توضیح نموده اند۔
امروز کشور های اسلامی تحت ظلم و سازش های عبر قدرت های کفار ان قرار گرفته اند،
هدف دشمنان اسلام فقط ذات رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم است۔۔۔۔ ذات مبارک
سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم همان مرکز قلب و نظر است کہ از برکت آن مسلمانان
زندگانی ابدی حاصل می کنند۔۔۔۔ کفار در تحت همین سازش کہ برای ذات پاک آن
حضرت صلی اللہ علیہ وسلم مردم را از نعت پیغمبر صلی اللہ علیہ وسلم و تعظیم و از محبت
رحمتہ للعلمین باز و دور می دارند کہ مردم نتوانند حب و تعظیم سرور عالم صلی اللہ علیہ
وسلم در دل های خود جای دهند۔۔۔۔ ما باید از سازش آنها کہ مردم را از محبت رسول دور می
کنند و در شان رسالت توہین می کنند خود را از آنها دور بداریم و یقین کنیم کہ رب
العلمین جل جلالہ، رحمتہ للعلمین صلی اللہ علیہ وسلم را تمام علوم غیبیہ عطایہ از فضل خود
انعام کرده است، لاریب:

لوح بھی تو قلم بھی تو تیرا وجود الکتاب
گنبد آگینہ رنگ تیرے وجود میں حباب

اقبال

احقر محمد مسعود احمد عفی عنہ
کراچی

۱۸ ربیع الاول ۱۴۱۴ھ
۶ ستمبر ۱۹۹۳ء

تعلیقات و حواشی

۱	----- سورة اعلق : ۵-۴
۲	----- سورة طه : ۱۱۴
۳	----- ابن عبدالبر: جامع بیان العلم و فضلہ، ص ۴۷
۴	----- ایضاً، ص ۴۹
۵	----- ایضاً، ص ۴۶
۶	----- سورة بقره : ۲۴۷
۷	----- سورة بقره : ۳۱
۸	----- سورة كهف : ۶۵
۹	----- سورة بقره : ۳
۱۰	----- سورة النعام : ۵۹ (ترجمہ قرآن مولوی احمد رضا خاں)
۱۱	----- سورة بقره : ۳۳ (ترجمہ قرآن ایضاً)
۱۲	----- سورة یونس : ۲۰ (ایضاً)
۱۳	----- (ا) سورة النعام : ۵ (ایضاً)
	----- (ب) سورة هود : ۳۱
۱۴	----- سورة جن : ۲۶ (ترجمہ مولوی اشرف علی تھانوی)
۱۵	----- سورة آل عمران : ۱۷۹ (ایضاً)
۱۶	----- سورة بقره : ۳۱ (ایضاً)
۱۷	----- سورة بقره : ۲۵۱ (ایضاً)
۱۸	----- سورة نمل : ۱۶ (ایضاً)
۱۹	----- سورة انبیاء : ۷۴ (ایضاً)
۲۰	----- سورة یوسف : ۶۸ (ترجمہ مولوی اشرف علی تھانوی)
۲۱	----- سورة یوسف : ۹۶ (ایضاً)
۲۲	----- سورة یوسف : ۲۲ (ایضاً)
۲۳	----- سورة قصص : ۱۴ (ایضاً)
۲۴	----- سورة كهف : ۶۵ (ایضاً)
۲۵	----- سورة آل عمران : ۴۹ (ایضاً)

- ۲۶-----سورۃ یوسف: ۳۷ (ترجمہ اردو مولوی اشرف علی تھانوی)
۲۷-----سورۃ جن: ۲۶ (ایضاً)
۲۸-----سورۃ بقرہ: ۲۵۳
۲۹-----سورۃ کہف: ۷۰
۳۰-----سورۃ کہف: ۶۵-۸۲ (ترجمہ مولوی اشرف علی تھانوی)
۳۱-----سورۃ نساء: ۱۱۳
۳۲-----سورۃ اعلیٰ: ۶

(نکتہ اضافہ من جانب مترجم) معلم باشد خالق کائنات جل شانہ، شاگرد باشد امام الانبیاء۔ محبوب خدا صلی اللہ علیہ وسلم، کتاب باشد قرآن مجید۔ پس در علم آن ذات پاک سرور علم صلی اللہ علیہ وسلم چه قدر بسیار وسعت موجودی شود۔۔

- ۳۳-----سورۃ شوریٰ: ۵۲
۳۴-----سورۃ نور: ۶۳ (ترجمہ اردو مولوی اشرف علی تھانوی)
۳۵-----سورۃ ہود: ۴۹ (ترجمہ اردو مولوی محمود حسن)
۳۶-----سورۃ یوسف: ۱۰۲ (ایضاً)
۳۷-----سورۃ تکویر: ۲۴ (ایضاً)
۳۸-----سورۃ نحل: ۸۹ (ترجمہ اردو مولوی اشرف علی)
۳۹-----سورۃ یوسف: ۱۱۱ (ترجمہ اردو مولوی محمود حسن)
۴۰-----سورۃ النعام: ۳۸ (ترجمہ اردو مولوی احمد رضا خاں)
۴۱-----سورۃ مائدہ: ۱۵ (ایضاً)
۴۲-----سورۃ نمل: ۷۵ (ترجمہ اردو مولوی محمود حسن)
۴۳-----سورۃ النعام: ۵۹ (ترجمہ اردو مولوی محمود حسن)
۴۴-----سورۃ فتح: ۸ (ترجمہ اردو مولوی اشرف علی)
۴۵-----سورۃ نساء: ۴۱ (ایضاً)
۴۶-----سورۃ مزمل: ۱۵ (ایضاً)
۴۷-----سورۃ نحل: ۸۹ (ایضاً)
۴۸-----مسلم شریف، ج ۲، ص ۱۱۶
۴۹-----ابن ماجہ، ص ۲۰، ۲۰۸

- ۵۰----- مسلم شریف، ج ۱۲، ص ۱۸۰
- ۵۱----- مشکوٰۃ شریف، کتاب الایمان فی القدر، الفصل الثانی، ص ۱۹
- ۵۲----- بخاری شریف، ج ۳، ص ۸۵۵
- ۵۳----- (۱) مسلم شریف، ج ۱، ص ۲۰۷
- (ب) انبار المصطفیٰ، ص ۹، بحوالہ مسند احمد و سنن ابن ماجہ
- ۵۴----- انبار المصطفیٰ، ص ۹، بحوالہ طبرانی
- ۵۵----- سورۃ نجم: ۳۵ (ترجمہ اردو مولوی اشرف علی)
- ۵۶----- سورۃ مجادلہ: ۷، سورۃ ابراہیم: ۱۹، سورۃ بقرہ: ۲۴۳، ۲۵۸، سورۃ حج: ۱۸، سورۃ نور:
- ۱۴، سورۃ قیل: ۱، (ترجمہ مولوی محمود حسن)
- ۵۷----- ترمذی شریف بروایت معاذ بن جبل رضی اللہ عنہ
- (ب) مشکوٰۃ شریف، کراچی، ص ۷۲
- ۵۸----- انبار المصطفیٰ، ص ۸، بحوالہ مسند احمد و طبقات ابن سعد
- ۵۹----- انبار المصطفیٰ، ص ۷، بحوالہ بخاری شریف و مسلم شریف و مسند احمد
- ۶۰----- مشکوٰۃ شریف باب الفتن
- ۶۱----- مسلم شریف، ج ۲، کتاب الجہاد
- ۶۲----- بخاری شریف، کتاب الاعتصام، ج ۳، ص ۸۵۵
- ۶۳----- سورۃ تکویر: ۲۴ (ترجمہ اردو مولوی محمود حسن)
- ۶۴----- مفتی احمد میاں برکاتی بعنوان "اسلام اور عصری ایجادات" در زمان اردو ترجمہ کردہ، ایس
- ترجمہ در ۱۹۸۰ء از لاہور طبع شدہ۔
- ۶۵----- (۱) بخاری شریف، ص ۸۴۸
- (ب) مسلم شریف مع فتح المسلمین، کراچی، ج ۲، ص ۱۱۶
- ۶۶----- سورۃ النفال: ۶۰
- ۶۷----- مسلم شریف، ج ۲، ص ۱۴۳

الذکر

ان جو ہرگز نہ ہو در ان ستم جمع جمع ہفتا
ان ستم جمع ہفتا در ان ستم جمع ہفتا

سنتیں خلیفہ مومنان سے ہیں غیبی کوئی ان
ای ستم جمع ہفتا در ان ستم جمع ہفتا

عن رسول اللہ



<http://t.me/Tehqiqat>



اور بچوں کے ساتھ ہو جاؤ



Marfat.com
Marfat.com

Click For More